

## تحلیل تفسیر روایی آیه ۳۷ سوره مبارکه بقره از دیدگاه فریقین

شهربانو مؤمنی دارابی<sup>۱</sup>، محمدمهدی کریمی نیا<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> طلبه سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی، مرکز تخصصی حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، بابل، استان مازندران، مدیر مرکز تخصصی ریحانه الرسول (سلام الله علیها) جویبار

<sup>۲</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

### چکیده

خداوند نام اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به طور صریح در قرآن نیاورده است، و با بیان مفاهیم کلی، تبیین آیات درباره مناقب و حقوق اهل بیت را به عهده پیامبرش نهاد تا یکی از راه‌های آزمون این امت هموار شود و جوهره ایمان آنان در فرمانبرداری یا نافرمانی از پیامبر خدا آشکار گردد. پیامبر خدا بدون هیچ مدارا و کوتاهی این وظیفه مهم را درباره تفسیر آیات قرآن، از جمله، آیه ۳۷ بقره به انجام رسانید. سخن پیامبر در تفسیر این آیه، از تفاسیر روایی الدر المنثور، القرآن العظیم ابن ابی حاتم از اهل سنت و البرهان و نورالتقلین از شیعه مورد بررسی قرار گرفت. در این تفاسیر، برخی از روایات معصومین علیهم السلام در توسل آدم به رسول خدا اشتراک دارند؛ و بعضی دیگر از توسل به پنج تن آل کساء سخن گفته‌اند؛ و روایاتی دیگر از اهل بیت، توسل به چهارده معصوم را مطرح می‌کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، با توجه به این که استقبال با کلمات، سبب توبه حضرت آدم و همسرش علیهما السلام شد، در نتیجه این کلمات واسطه میان آدم علیه السلام و خدا قرار گرفته‌اند و آدم با توسل به این‌ها، به درگاه الهی عذر آورد. پس باید شأن این واسطه‌ها از آدم علیه السلام برتر باشد تا صلاحیت شفاعت آدم را داشته باشند. در نتیجه باید اینان از مقربان انسانی برتر از آدم علیه السلام باشند. این مسأله حتی در کتب تفسیری اهل سنت هم بیان شده چرا که روایاتی را مطرح می‌کنند که آیه درباره فضائل معصومین است و از این جهت می‌توان دیدگاه شیعه و اهل سنت را به هم نزدیک کرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، تفسیر، تفسیر روایی، توبه، کلمات

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

قرآن و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو امانت الهی و دو گوهر گرانبها و میراث رسول گرامی اسلام، وسیله هدایت، سعادت و نجات انسان ها هستند. این دو گوهر از یک منبع نشأت گرفته و در یک مسیر حرکت می کنند و به یک مقصد منتهی خواهند شد. قرآن بدون عترت و عترت بدون قرآن، نه مورد توجه قرآن است و نه مورد تأیید عترت.

یکی از آیاتی که مفسرین شیعه و اهل سنت در مورد فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نظر می گیرند آیه ۳۷ سوره بقره است. در این آیه ماجرای توبه حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) آمده است. بعد از این که بواسطه ترک اولایی که انجام دادند از طرف خداوند مأمور به توبه شدند. آیه بیان می کند که حضرت آدم و حوا باید کلماتی را القاء نمایند تا توبه آنها پذیرفته شود، سؤالی مطرح می شود که مراد از کلماتی که با آن توبه کردند چیست؟ مفسرین اقوال متعددی را بیان می کنند که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد. البته سعی ما بر این است محور بحث از تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت، آن هم از تفاسیر البرهان فی التفسیر القرآن از هاشم بحرانی، نورالثقلین از عروسی حویزی، الدر المنثور از سیوطی و تفسیر القرآن العظیم از ابن ابی حاتم باشد. در کنار این تفاسیر از تفاسیر دیگر روایی به عنوان تأیید استفاده می شود. در این زمینه کتاب هایی مانند ویژگی های اهل بیت در قرآن از ولی الله نقی پور فر و نشان از بی نشان ها از علی مقدادی اصفهانی و تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الظاهره از استرآبادی مطالب ارزشمندی تدوین شده است. اما در این مقاله سعی می شود به خصوص تفسیر روایی آیه ۳۷ سوره مبارکه بقره آن هم معنا و تفسیر واژه کلمات مورد بررسی قرار گیرد، تا راهی باشد بر این موضوع که هر چند اسم اهل بیت به خصوص علی علیه السلام به طور صریح در قرآن نیامده اما آیات بیشماری در مورد فضائل آن حضرت تأکید می - کند. و از این طریق بین دیدگاه شیعه و اهل سنت را نزدیک کرد.

## ۱. مفهوم شناسی

واژه تفسیر، از ماده "فسر" به معنای تبیین و توضیح است. (خلیل بن فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۴۷) جوهری در صحاح اللغه (۱۹۵۶، ج ۲، ص ۷۸۱) و ابن منظور در لسان العرب نیز تفسیر را به معنای بیان دانسته اند. (ابن منظور، ج ۵، ص ۵۵) وی هم چنان افزوده فسر یعنی آشکار کردن معنای یک لفظ دشوار. گفتنی است که برخی تفسیر را مشتق از "سفر" به معنای کشف و بروز دانسته اند که مبتنی بر پذیرش اشتقاق کبیر در زبان عربی است. برخی نیز اصل آن را سریانی به معنای شرح و توضیح کتاب مقدس دانسته اند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۶۱۹) معنای اصطلاحی تفسیر نیز همانند با معنای لغوی آن است. (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۱۲-۲۵؛ محمدی ری شهری، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۶۲۰؛ علوی مهر، ۱۳۸۱، ص ۱۹)

## ۲. معنای تفسیر روایی

تفسیر روایی یا تفسیر مأثور مفسر در پی تبیین متن مقدس قرآن و پرده برداری از مقصود اصلی خداوند است. مفسر در توضیح آیات از روایاتی استفاده می کند که خود، آن هارا پذیرفته است. از نگاه شیعه احادیث مورد استفاده باید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت پیامبر نقل شده باشد؛ ولی در نگاه اهل سنت این احادیث باید از پیامبر یا با شروط خاصی از صحابی و تابعین روایت شده باشد. در نتیجه تفسیر روایی محض، با تفسیر روایی جامع تفاوت دارد. در تفسیر روایی محض، تنها به گردآوری روایات و چینش آن ها در ذیل آیه بسنده می شود اما در تفسیر روایی جامع، هم از احادیث ناظر به قرآن استفاده می شود و هم کوشش ژرف، فراگیر و عالمانه ای برای گردآوری همه قرینه ها و فهم دقیق و همه جانبه آن ها به کار می - رود. (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۱۷)

## ۳. معنای کلمات آیه ۳۷ بقره

بنا بر نظر راغب کلم تأثیری است که با چشم یا گوش درک شود کلام با گوش و کلم (زخم) با چشم درک میشود «کلمته» یعنی به او زخمی زدم که اثرش ظاهر شد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۷۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۰) در مجمع آمده کلم بمعنی زخم است و معنای اصلی آن تأثیر میباشد کلم (زخم) اثری است دلالت بر زخمزن دارد و کلام اثری است دلالت بر معنی دارد. (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۳۹) ابن منظور کلمات الله را همان کلام خدا می‌داند که صفت خداست و صفات خدا هم منحصر در عدد نیست. (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۵۲۲) اما بر اساس اصطلاحی که خود قرآن برای خود دارد کلمه را به خدا نسبت می‌دهد، یعنی هر چیزی که اراده خدا را ظاهر کند. در آیات قرآن، کلمه بر وجود انسانی به کار رفته، آن هم صرفاً بر عیسی علیه السلام که نبی اولوالعزم و آیت الهی است. البته در مورد حضرت یحیی و حضرت مریم (علیهما السلام) به عنوان تصدیق کننده کلمه الهی (نه خود کلمه) یاد شده است. در آیه ۴۵ آل عمران «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ» علامه طباطبایی در سبب معنای کلمه به عیسی علیه السلام معتقد است که هر انسانی و بلکه هر موجودی مصداقی از کلمه "کن" تکوینی است برای این بود که ولادت سایر افراد بر طبق مجرای اسباب عادی و مالوف صورت می‌گیرد، و به همین جهت ولادت را مستند به عمل نکاح می‌کنند، همان طور که سایر مسببات را به اسبابش مستند می‌کنند، و چون انعقاد نطفه عیسی از این مجرا نبوده و پاره‌ای از اسباب عادی و تدریجی را نداشته، قهراً هستیش مستند به صرف کلمه تکوین بوده، بدون اینکه اسباب عادی در آن دخالت داشته باشد، پس عیسی خود کلمه است. (طباطبایی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۳۰۳) در مورد حضرت یحیی علیه السلام نیز با معجزه متولد شده است و در کودکی به نبوت رسیده است و شباهت‌های زیادی با عیسی علیه السلام دارد با حساسیت خاصی از او به عنوان مصدق کلمه الهی که عیسی علیه السلام است، (آیه ۳۹ آل عمران) یاد شده است. حضرت مریم نیز همچو یحیی در آیه ۱۲ تحریم تصدیق کننده کلمه الهی یاد شده است.

## ۴. شأن نزول و تفسیر اجمالی آیه ۳۷ بقره

شأن نزول خاصی از آیه ۳۷ بقره در کتب اسباب النزول (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ص ۲۷؛ عنایه، ۱۴۱۱، ص ۹۲) بیان نشده است اما به جهت این که ارتباط سیاقی با آیات قبل خود دارد مفسرین همان داستان خروج آدم علیه السلام را مطرح می‌کنند. هم‌چنان که در داستان حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) می‌آید، پس از اعلام خدا به فرشتگان مبنی بر قرار دادن موجودی به عنوان جانشین در زمین و پرستش آنها از حکمت آن، خدا آدم را آفرید و به تعبیر قرآن، اسماء را به او آموخت و توانایی و استعدادش را به ملائکه نشان داد. آنها نیز به ویژگی‌های او عتراف کردند و براساس امر خدا، سجده شکر به سبب آفرینش موجودی چون آدم به جا آوردند. ابلی نیز که از جنیان بود و بر اثر عبادت در سلک فرشتگان در آمده بود، مأمور به سجده شد، اما خوداری کرد و بدین سان کفر و استکبار او آشکار شد و دشمنی با خدا و بندگانش را آغاز کرد. او قسم خورد که آنها را گمراه و از راه خدا منحرف کند و بدین منظور از خدا مهلت خواست. پس از آن خدا آدم و حوا را مأمور کرد تا در بهشت ساکن شوند و از نعمت‌های آن آزادانه بهره‌برند، جز درختی که خداوند آنها را از نزدیک شدن به آن نهی فرمود. همچنین از دشمنی شیطان به آنها هشدار داد. سرانجام تلاش‌های شیطان کارساز شد و آدم و حوا سست شدند و بر ساس وسوسه شیطان، از آن درخت تناول کردند. در این هنگام، آدم متوجه شد راستی به خویشتن ستم کرده، و از آن محیط آرام و پر نعمت، بر اثر فریب شیطان بیرون رانده شده، و در محیط پر زحمت و مشقت بار زمین قرار خواهد گرفت، در اینجا آدم به فکر جبران خطای خویش افتاد و با تمام جان و دل متوجه پروردگار شد، توجهی آمیخته با کوهی از ندامت و حسرت. لطف خدا نیز در این موقع به یاری او

شتافت و چنان که قرآن در آیه ۳۷ بقره می‌گوید: " آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت، سخنانی مؤثر و دگرگون کننده، و با آن توبه کرد و خدا نیز توبه او را پذیرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۳)

کلمه (تلقی)، بمعنای تلقن است، و تلقن بمعنای گرفتن کلام است، اما با فهم و علم، و این تلقی در باره آدم، طریقه‌ای بوده که توبه را برای آدم آسان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۰) توبه " لفظی است مشترک، میان خدا و بندگان، هنگامی که بندگان به آن توصیف شوند مفهومش این است که به سوی خدا بازگشته‌اند زیرا هر گنهکاری در حقیقت از پروردگارش فرار کرده، هنگامی که توبه می‌کند به سوی او باز می‌گردد. خداوند نیز در حالت عصیان بندگان گویی از آنها روی گردان می‌شود، هنگامی که خداوند به توبه توصیف می‌شود، مفهومش این است که نظر لطف و رحمت و محبتش را به آنها باز می‌گرداند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۵)

پس این توبه همان است که بخاطر آن راه هدایت را بروی انسان گشودند، تا آن را مسیر خود قرار دهند، و تنظیم منزلی است، که باید در آنجا سکونت کنند، و بدنبال همان راه و آن هدایت بود، که در هر عصری دینی، و ملتی برای بشر تشریح شد. اما مراد از کلمات، در آیه ۳۷ بقره چیزی جز اسمایی که به آدم علیه السلام تعلیم شد نبود؛ یعنی کلمات تلقی شده ظاهراً جزو همان اسماء بود، زیرا « الأسماء » در آیه « و علم الأسماء كلها » جمع محلی به الف و لام است و با توجه به تأکید آن « كلها » افاده عموم می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۴۳۰) همچنین مقصود از این کلمات صرف الفاظ و مفاهیم ذهنی آنها نیست؛ چون خداوند در قرآن « کلمات » را بر حقایق وجودی اطلاق کرده است. (۱۰۹ کهف) پس اگر در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است که مراد از این کلمات، اسماء اصحاب کساء است باید چنین توجیه شود که مقصود، این است که آدم علیه السلام انوار اهل بیت و اشباح آنان را زیارت کرد و کلمات تلقی شده همان آیات وجودی اهل بیت بود، گرچه هنگام توبه و تکلم با خداوند به عنوان استغفار، اسمای مبارک آنان را بر زبان جاری کرده باشد. (همان)

##### ۵. دیدگاه تفاسیر روایی شیعه درباره تفسیر کلمات آیه ۳۷ بقره

آیه ۳۷ بقره از یک سو گوشه‌ای از داستان حضرت آدم علیه السلام را بیان می‌کند و از سوی دیگر دلیل مهمی بر مشروعیت توسل می‌باشد و از سوی سوم سخن از توبه و بازگشت به سوی خدا دارد و از آیات فضائل خمسه طیبه علیهم السلام محسوب می‌شود. علاوه بر موضوعات سه‌گانه فوق، روایاتی در منابع عامه و خاصه در مورد پیوند آیه با اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. از موضوعات سه‌گانه در این تحقیق به مورد اخیر، فضائل اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت علی علیه السلام پرداخته می‌شود.

##### ۶. دیدگاه عروسی حویزی در تفسیر کلمات آیه ۳۷ بقره

در تفسیر نورالثقلین سه دسته روایات در تفسیر کلمات بیان می‌شود. اولاً روایتی که توسل به چهارده معصوم علیهم السلام را مطرح می‌کنند. مضمون روایت بدین صورت است که محمد بن سنان از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام حدیث طولانی بیان می‌کند که آدم و حوا علیهما السلام جایگاه اهل بیت را تمنا کردند وقتی خداوند اراده کرد توبه آن‌ها را بپذیرد، جبرئیل نزد آن‌ها آمد و به آن‌ها فرمود شما به خودتان ظلم کردید و جزای شما هبوط از جوار خداوند به سوی زمین است، و بدین سبب خداوند اسمائی که در عرش الهی است را فرستاده تا با آن‌ها توبه کنید آن‌ها عبارت است از " اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتُلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمِينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأئِمَّةِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيْنَا وَرَحِمْتَنَا فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. " بعد از ذکر اسماء خمسه لفظ الأئمة آمده که دلالت روشنی بر معصومین است.

اما روایت دوم از مفضل بن عمر که از امام صادق علیه السلام درباره معنای کلمات در آیه " وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ " پرسید، امام فرمودند: همان کلماتی که آدم با آن‌ها توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد و مراد از کلمات این است: « يَا رَبِّ اسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. » در این روایت به ذکر اسماء

خمسه اکتفا شده است، ک حضرت علی(علیه السلام) هم یکی از آن پنج نفر است. در روایت دیگری در تفسیر نورالثقلین آمده است که امام صادق از حضرت علی علیه السلام روایت می‌کند که خداوند نور محمد را خلق کرد قبل از این که آسمان و زمین، عرش، کرسی، لوح، قلم، بهشت و جهنم را بیافریند از صلب عبدالله بن عبدالمطلب او را آفرید و کرامات بیشماری به او بخشید، به او پیراهن معرفت پوشاند و خداوند عزوجل به محمد فرمود: در بین مردم برو و بگو "قولوا لا اله الا الله محمد رسول الله" و خداوند با این پیراهن توبه آدم را پذیرفت و انگشتر سلیمان را به او برگرداند و یوسف را به یعقوب رسانید و یونس پیامبر را از شکم حوت نجات داد. و این پیراهن همان پیراهن محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۶۸) در این روایت وجود مقدس پیامبر اکرم به عنوان معنای کلمات بیان شده که سبب پذیرش توبه آدم شد.

#### ۷. دیدگاه هاشم بحرانی درباره تفسیر کلمات آیه ۳۷ بقره

در تفسیر البرهان دو دسته روایات جهت تفسیر کلمات بیان شده است. که از یک جهت با تفسیر نورالثقلین مشترک است، و آن توسل آدم به اسماء مبارک خمسسه می باشد. که از ذکر مجدد آن خودداری می‌شود. اما روایات دسته دوم، بدین مضمون که «آدم علیه السلام چهل شبانه روز در حال سجده در صفا باقی ماند و بر خروج خود از بهشت می‌گریست خداوند جبرئیل را فرستاد و به آدم فرمود: ای آدم برای چه گریه می‌کنی؟ آدم عرض کرد: چرا گریه نکنم، خداوند مرا از جوار خود رانده و به دنیا هیبوط کردم. جبرئیل فرمود: یا آدم توبه کن. آدم عرض کرد چگونه توبه کنم؟ خداوند قبه‌ای از نور فرستاد که در جایگاهی از کعبه بوده و در کوه‌های مکه نورش ساطع گشت. خداوند به جبرئیل امر کرد نشانه‌هایی را قرار دهد. بدین سبب به آدم فرمود: یا آدم یوم ترویبه خارج شو و غسل کن و محرم شو. جبرئیل روز هشتم ذی‌الحجه در منی شب را به صبح رسانید و هنگام صبح به عرفات رفت و در هنگام خروج امر کرد به آدم تلبیه بگوید و زوال خورشید روز عرفه غسل کند و وقتی نماز عصر را به جا آورد و در عرفات وقوف کند و کلماتی را که خداوند القاء کرده را برای پذیرش توبه بیان کند. «کلمات بدین صورت است: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.» «پاک و منزّه است خدا، خدا یا سوگند به ستایشت؛ الهی جز تو نیست، بدی خود را علم دارم و به خود ظلم کردم و به گناه خود اعتراف دارم، مرا بیامرز تو بهترین آمرزندگان، پاک و منزهی تو و سوگند به ستایشت الهی به غیر از تو نیست... بیامرز مرا تو توبه پذیر مهربان هستی.»

در این هنگام آدم تا غروب خورشید دستان خود را به سوی آسمان برد و با حالت تضرع می‌گریست. بعد از غروب خورشید به مشعر رسید و شب را در همان جا ماند هنگام صبح در مشعر الحرام با کلمات خداوند را خواند و توبه کرد و پس از آن راهی منا شد و به مکه بازگشت. به جمره اولی که رسید، ابلیس آن جا بود. ابلیس گفت: یا آدم چه می‌کنی؟ جبرئیل امر کرد که هفت سنگ به به ابلیس زند، آدم نیز با تکبیر سنگ را به سوی او پرتاب کرد. پس از آن به جمره دوم رفت ابلیس دوباره وارد شد و همان کار را آدم تکرار کرد جمره سوم نیز همانند دو مورد قبل آدم انجام داد، در پایان جمره سوم ابلیس رفت و جبرئیل به آدم فرمود بعد از این روز هرگز او را نمی‌بینی، پس از آن آده به بیت الحرام رفت و به دستور جبرئیل هفت بار طواف را انجام داد در این هنگام جبرئیل وارد شد و فرمود یا آدم خداوند توبهات را پذیرفت و همسرت بر تو حلال است. (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۳؛ میرزای قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵) با توجه به این روایت علاوه بر ذکر کلمات، انجام عمل حج نیز برای قبول توبه آدم مقرر شد. در تفاسیر روایی دیگری از شیعه روایاتی

مشابه با موارد ذکر شده دیده می‌شود (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۷؛ عیاشی، ج ۱، ص ۳۸) که از نظر محتوا و

تفسیر کلمات تفاوتی لحاظ نشده است. و یکی از موارد تشابه در همه روایات، ذکر اسماء خمسسه و توسل به معصومین می‌باشد.

#### ۸. دیدگاه تفاسیر روایی اهل سنت در تفسیر کلمات آیه ۳۷ بقره

در بین مفسرین اهل سنت، دیدگاه دو تفسیرروایی القرآن العظیم ابن ابی حاتم و الدر المنثور سیوطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به این دو تفسیر، در مواردی با یکدیگر شباهت دارند و در برخی دیگر تفاوت‌هایی دیده می‌شود. اما در حوزه تفسیری اهل سنت، دو تفسیر روایی به نام القرآن العظیم نوشته شده است. یکی به قلم ابو محمد، عبدالرحمان بن ابن ادریس، معروف به ابن ابی حاتم رازی و دیگری به دست ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی است. تفسیر ابن ابی حاتم یک تفسیر روایی محض است و جز در برخی موارد نادر، از اظهار نظر و آوردن مطالب غیر روایی خودداری کرده است.

ابن ابی حاتم در تفسیر القرآن العظیم، شش وجه در تفسیر کلمات بیان می‌کند که عبارت است از:  
وجه اول:

روایتی از پیامبر اکرم که فرمودند آدم به خداوند عرض کرد: « اگر توبه کنم و برگردم مرا به بهشت بر می‌گردانید؟ خداوند در جواب فرمودند: بله. این همان معنی کلمات است.»

وجه دوم:

روایتی از ابن عباس، که «آدم گفت: پروردگارا آیا مرا به دست خود خلق نکردی؟ و از روح خود در من ند میدی؟ خداوند در جواب فرمودند: بلی. آدم عطسه‌ای کرد، و گفت: یرحمک الله، آیا رحمت خدا بر غضب او سبقت نگرفته است؟ آدم عرض کرد: آیا مرا به بهشت بر می‌گردانی؟ خداوند فرمود: بله.»

وجه سوم:

«مردی از قبیله بنی تمیم نزد ابن عباس آمد و از معنا و تفسیر کلمات در آیه ۳۷ بقره پرسید، ابن عباس در جواب پاسخ داد مراد از کلمات، علم شأن حج است.»

وجه چهارم:

روایتی آمده که «آدم عرض کرد: ای پروردگار گناهی که مرتکب شدم آیا قبل این که مرا خلق کنی بر من نوشتی یا حین ارتکاب گناه؟ خداوند فرمود: قبل این که خلق شوی، آدم عرض کرد: هم چنان که گناه قبل خلقت نوشته شد، پس مرا هم مورد آمرزش خود قرار بده.»

وجه پنجم:

روایتی که مراد از کلمات را آیه ۲۳ اعراف تفسیر می‌کند. «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.»

وجه ششم:

روایتی که بیان می‌کند مراد از کلمات: «اللهم لا إله إلا أنت سبحانك و بحمدك، رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي \* فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۹۲)

ابن ابی حاتم در بین وجوه شش گانه، اصلا آیه را به اهل بیت یا خود پیامبر پیوند نمی‌زند، و روایت مربوط به اسماء خمسسه را نمی‌آورد.

## ۹. دیدگاه سیوطی در تفسیر کلمات

سیوطی صاحب تفسیر الدر المنثور، تنها یک مفسر نیست. او یک محدث هم هست و می‌داند چه روایتی را بیاورد و کدام یک را نیاورد. او هم چنین می‌داند که باید سند و منبع حدیث را به مخاطب خود بشناساند؛ اما از یک سو، با محدودیت حجم کتاب رو به رو است و از سوی دیگر نمی‌تواند احادیث کتاب را به صورت مرسل و رها بیاورد. (مسعودی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۰) جامعه علمی مسلمانان به ویژه اهل سنت، با دیده قبول به کتاب‌های سیوطی نگریده‌اند و از این رو، بسیاری از کتاب‌های او از جمله تفسیر الدر المنثور با استقبال عالمان پس از وی رو به رو شده است.

روایات درباره تفسیر کلمات، را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. روایت اول از تفسیر ثعلبی که مراد از کلمات را همان، آیه ۲۳ اعراف می‌داند. روایت دیگری از «ابن النجار عن ابن عباس قال سالت رسول الله صلى الله عليه و سلم عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتابَ عَلَيْهِ قال سال بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين الا تبت علي فتابَ عَلَيْهِ.»

اما روایت سوم: «أخرج الطبرانی فی المعجم الصغير و الحاكم و أبو نعیم و البیهقی كلاهما فی الدلائل و ابن عساکر عن عمر بن الخطاب قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم لما أذنب آدم الذنب الذي أذنبه رفع رأسه إلى السماء فقال أسألك بحق محمد الا غفرت لي فأوحى الله اليه و من محمد فقال تبارك اسمك لما خلقتني رفعت رأسي إلى عرشك فإذا فيه مكتوب لا اله الا الله محمد رسول الله فعلمت أنه ليس أحد أعظم عندك قدرا ممن جعلت اسمه مع اسمك فأوحى الله اليه يا آدم انه آخر النبيين من ذريتك و لو لا هو ما خلقتك» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۹) که می‌توان گفت «وقتی آدم مرتکب گناه شد، سرش را رو به آسمان کرد و گفت: به وجود محمد تقاضای آمرزش دارم، خداوند وحی کرد به آدم، محمد کیست؟ آدم گفت: مبارک است اسمت، هنگامی که مرا آفریدی رو به سوی عرش کردم، که در آن نوشته شده بود «لا إله إلا الله محمد رسول الله» دانستم که احدی در نزد تو به اندازه او ارزش ندارد چرا که اسم او را در کنار اسم خود قرار دادی، و در این هنگام خدا وحی کرد: ای آدم، او آخرین پیامبر از ذریه توست و اگر اون بود تو را خلق نمی‌کردم.» در این روایت تنها به وجود مقدس پیامبر اکرم متوسل شده و با کمک آن توبه کرد و توبه‌اش پذیرفته شد.

علاوه بر معانی که بیان شد تفاسیر دیگری نیز برای معنای کلمات گفته شده که از جمله تفسیر ثعلبی، روایتی را در معنای کلمات بیان می‌کند که پیامبر در شب معراج، نوشته ای را دید که نوشته شده بود «محمد رسول الله، ابوبکر صدیق، عمر الفاروق...» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۵) اسمی از اسماء خمس در این تفسیر نیامده است. با دقت در تفاسیر اهل سنت، آن هم تفاسیر روایی محض یا روایی کلامی یا اجتهادی، روایت توسل به اسماء خمس در بیشتر آنها آمده، پس می‌توان گفت که خود آنها نیز بر این موضوع اذعان دارند که آیه ۳۷ بقره مرتبط با فضائل و مناقب اهل بیت است. و بدین صورت می‌توان نظر شیعه و اهل سنت را به هم نزدیک بدانیم، چرا که دیدگاه سه تفسیر، الدر المنثور، نورالثقلین و البرهان فی التفسیر القرآن در این آیه مشترک است.

## نتیجه گیری

کتاب تفسیری و منابع روایی اهل سنت و شیعه، توصیف‌های بسزا و حیرت انگیزی از نظر کمیت و کیفیت نسبت به مقام و شئون اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. اگر این احادیث را بدون تعصب مورد مذاقه و عنایت قرار دهیم، شأن بی‌رقیب و ملکوتی اهل بیت هر چه واضح‌تر برای امت مسلمان آشکار می‌گردد. با دقت در تفاسیر روایی اهل سنت و شیعه درباره آیه ۳۷ بقره، نتایج مهمی به دست می‌آید که بسیار راهگشاست. نتیجه‌ای که از روایات شیعه و اهل سنت درباره این آیه حاصل می‌شود

این که برخی روایات مراد از کلماتی که حضرت آدم علیه السلام با آنها توبه کرد، در توسل به رسول خدا اشتراک دارند، و بعضی دیگر از روایات، توسل به پنج تن آل کساء را بیان می‌کنند، و گروه دیگر توسل به چهارده معصوم را بیان می‌کنند. از چهار تفسیری که روایات آنها مورد بررسی قرار گرفته شد، سه تفسیر الدر المنثور، نورالثقلین، البرهان نظر یکسانی در توسل به پنج تن دارند فقط تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم روایتی در این زمینه نمی‌آورد. هم چنین می‌توان نتیجه گرفت که بین روایات شیعه و اهل سنت می‌توان مقارنه سازی کرد، چراکه اشتراکات آنها بیشتر از اختلافات است.

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۳- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
- ۴- بابایی، علی اکبر، روش شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ش.
- ۵- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.
- ۶- ثعلبی، احمد بن محمد ثعلبی، الکشف و البیان، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۷- جوهری، اسماعیل، الصحاح، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۵۶م.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
- ۹- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه، ۱۴۰۴ق.
- ۱۱- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۳م.
- ۱۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه دارالعلم، ۱۳۴۸ش.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
- ۱۴- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، طهران، المکتبه الإسلامیه، بی تا.
- ۱۵- علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، تهران، اسوه، ۱۳۸۱ش.
- ۱۶- عنایه، غازی حسین، اسباب النزول القرآنی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱ق.
- ۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
- ۱۸- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- ۱۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر المنسوب ب القمی، قم، دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
- ۲۰- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، طهران، وزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۲۱- مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۸ش.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد، دانش‌نامه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
- ۲۳- مسعودی، عبد الهادی، تفسیر روایی جامع، دار الحدیث، ۱۳۹۵ش.
- ۲۴- واحدی نیشابوری، علی، اسباب النزول القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.